

معیارهای تجربی کیفیت سود

دکتر قاسم بولو

استادیار حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی

مسعود حسنی القار

مری گروه حسابداری دانشگاه بزرگمهر قاینات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۳۰

چکیده

سود حسابداری مهمترین و اصلی ترین منبع اطلاعات مختص شرکت است. سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایرین، سود و اجزای آن را به طرق مختلف و برای مقاصد متفاوت جهت ارزیابی دورنمای جریان های نقدی سرمایه گذاری ها یا وام های اعطائی استفاده می کنند و برای اخذ تصمیمات سرمایه گذاری، به سود بیش از هر معیار دیگری توجه می کنند. وقوع بحران های مالی، اعتبار سامانه گزارشگری مالی در جلب اعتماد سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان را خدشه دار ساخت. به دنبال این بحران ها پژوهشگران و تحلیلگران مالی توجه را از تأکید صرف بر سود به کیفیت سود معطوف کردند. ارزیابی کیفیت سود به استفاده کنندگان صورت های مالی در امر قضاوت درباره قطعیت سود جاری و پیش بینی سودهای آتی کمک می کند. از آنجا که کیفیت سود مفهومی بر پایه محتوا است، لذا امکان ارائه تعریفی جامع از آن وجود ندارد و برای اندازه گیری آن از معیارهای متفاوتی استفاده می کنند. این مقاله ضمن تبیین مهمترین معیارهای تجربی کیفیت سود در ادبیات موضوعی به معرفی مهمترین مدل های آن سازه ها می پردازد.

واژگان کلیدی: کیفیت سود، جزء تعهدی سود، جزء جریان نقدی سود، گزارشگری مالی.

مقدمه

سود حسابداری یکی از مهمترین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی می‌باشد که همواره مورد توجه گروه‌های مختلف استفاده کننده قرار گرفته است. تا چند سال اخیر، اغلب پژوهش‌هایی که در زمینه تأثیر سود حسابداری بر قیمت یا بازده سهام صورت گرفته به کیفیت سود توجه چندانی نکرده بود. وقوع بحران‌های مالی در سال‌های اخیر سبب نشانه گرفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد و اعتبار سامانه گزارشگری مالی در جلب اعتماد عموم را خدشه‌دار ساخت. به دنبال این رسوایی‌های مالی، پژوهشگران و تحلیلگران مالی نیز توجه را از تأکید صرف بر رقم سود به سوی کیفیت سود معطوف کردند [۲].

بر اساس مفهوم سودمندی تصمیم، ارائه شده توسط هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۱، کیفیت سود و به طور عام‌تر کیفیت گزارشگری مالی، مورد علاقه کسانی است که از گزارش‌های مالی برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای مختلف استفاده می‌کنند. علاوه بر این، می‌توان عنوان نمود که از دیدگاه مراجع تدوین کننده استاندارد، کیفیت سود به صورت غیرمستقیم نشان‌دهنده کیفیت استانداردهای گزارشگری مالی است. سود گزارش شده و روابط به دست آمده از آن، معمولاً در قراردادهای حقوق و پاداش و قراردادهای استقراض مورد استفاده قرار می‌گیرد [۲۱]. از دیدگاه سرمایه‌گذاری، کیفیت پایین سود مطلوب نمی‌باشد، زیرا سودهای کم کیفیت، تخصیص نامناسب منابع را به دنبال داشته و باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، این سودها کارایی لازم را نداشته و منابع را از پروژه‌های دارای بازده واقعی به سمت پروژه‌هایی سوق می‌دهند که واهی بوده و بازده ساختگی و غیرواقعی دارند [۴].

کیفیت سود مفهومی است که دارای جنبه‌های متفاوتی می‌باشد و از این رو تعاریف مختلف و معیارهای متفاوتی در رابطه با آن مطرح شده‌اند. به عنوان مثال دچو و همکاران [۱۳] معتقدند سود با کیفیت بالا اطلاعات بیشتری در رابطه با ویژگی‌های عملکرد مالی یک شرکت برای تصمیم‌گیرندگان در تجزیه و تحلیل عملکرد مالی آن شرکت فراهم می‌کند. آن‌ها سه ویژگی

1- Financial Accounting Standards Board (FASB)

را در رابطه با این تعریف بیان می کنند؛ نخست اینکه کیفیت سود به تنهایی هیچ تعریفی ندارد و تنها در کنار مدل تصمیم، معنا پیدا می کند. دوم اینکه کیفیت ارقام سود گزارش شده به آگاهی دهندگی آن در رابطه با عملکرد مالی شرکت، مربوط است و بسیاری از جنبه های آن قابل مشاهده نیستند، و در نهایت اینکه کیفیت سود تنها محدود به تصمیمات ارزیابی سهام نمی باشد، بلکه شامل هر گونه تصمیم گیری در رابطه با عملکرد شرکت است [۱۳]. همچنین شیپر و وینسنت [۲۱]، کیفیت سود را به عنوان نزدیکی سود گزارش شده حسابداری به سود اقتصادی تعریف می کنند، که نزدیکی بیشتر آن بیانگر کیفیت بیشتر سود است [۲۱]. به طور کلی تحقیقات مختلف در تعریف مفهوم کیفیت سود، به دو ویژگی مهم، سودمندی در تصمیم، و ارتباط این مفهوم با سود اقتصادی^۱ اشاره کرده اند. کیفیت بالای سود به معنای سودمندی اطلاعات سود در تصمیم گیری استفاده کنندگان و همچنین نزدیکی آن به سود اقتصادی است. اما از آنجا که کیفیت سود مفهومی بر پایه محتوا است، امکان ارائه تعریفی واحد از آن وجود ندارد. از این رو برای اندازه گیری کیفیت سود از معیارهای متفاوتی استفاده می شود که در ادامه به معرفی آنها می پردازیم.

معیارهای تجربی کیفیت سود

ادبیات تجربی معیارهای مختلفی برای تعیین و ارزیابی کیفیت سود ارائه داده است. محققین مختلف، این معیارها را در چندین طبقه جای داده اند. به عنوان مثال شیپر و وینسنت [۲۱] معیارهای کیفیت سود را در قالب چهار سرفصل به شرح زیر طبقه بندی می کنند:

➤ سازه های مشتق شده از خصوصیات سری زمانی سود^۲ (پایداری، پیش بینی پذیری و تغییر پذیری)

➤ سازه های مشتق شده از رابطه بین سود، جریان نقد و اقلام تعهدی^۳ (نسبت جریان نقد عملیاتی به سود، تغییر در جمع اقلام تعهدی، برآورد مستقیم اقلام تعهدی اختیاری با

۱- از دیدگاه هیگز سود اقتصادی مبلغی است که شخص می تواند طی دوره مصرف کند (یعنی به صورت سود سهام پرداخت شود) به گونه ای که رفاه پایان دوره وی به همان خوبی رفاه ابتدای دوره اش باشد. بر این اساس سود اقتصادی، برابر با تغییر در خالص دارایی های اقتصادی (البته به غیر از مبادله با مالکان) است [۶].

2- Time Series Properties of Earnings

3- Relations Among Income, Cash and Accruals

استفاده از عناصر حسابداری و برآورد مستقیم روابط اقلام تعهدی با جریان‌های نقدی)

➤ سازه‌های مشتق شده از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری^۱ (مربوط بودن، قابل اعتماد بودن و قابل مقایسه بودن) و

➤ سازه‌های مشتق شده از تصمیمات اجرایی^۲ (قضاوت‌ها و برآوردهای الزامی، قضاوت‌ها و برآوردهای مغرضانه)

فرانسیس و همکاران [۱۵] این معیارها را به دو گروه کلی تقسیم کرده‌اند:

➤ معیارهای مبتنی بر داده‌های بازار^۳ (کیفیت اقلام تعهدی، پایداری، قابلیت پیش بینی و هموار بودن سود) و

➤ معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری^۴ (مربوط بودن، به موقع بودن و محافظه کارانه بودن)

باروا [۹] معیارهای کیفیت سود را با استفاده از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی مندرج در چارچوب نظری FASB در دو سرفصل به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است:

➤ معیارهای مرتبط با ویژگی مربوط بودن سود (ارزش پیش‌بینی، ارزش بازخورد و به-موقع بودن)

➤ معیارهای مرتبط با ویژگی قابلیت اتکاء سود (بی‌طرفی، قابلیت تأیید و بیان صادقانه)

دجو و همکاران [۱۳] نیز این معیارها را در سه فصل به شرح زیر معرفی می‌کنند:

➤ معیارهای مرتبط با خصوصیات سود (پایداری، هموارسازی، کیفیت اقلام تعهدی،

عدم تقارن در به موقع بودن و شناسایی به موقع زیان^۵، مقایسه با شاخص)

➤ معیارهای مرتبط با واکنش سرمایه‌گذاران به سود^۱ (ضریب واکنش سود^۲، ضریب

تعیین (R²) مدل‌های بازده سود)

1- Qualitative Characteristics of Accounting Information

2- Implentaion Decisions

3- Market Based Earnings Attributes

4- Accounting Based Earnings Attributes

5- Asymmetric Timeliness and Timely loss Recognition

➤ معیارهای خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی^۳ (تجدید ارائه، ضعف کنترل‌های داخلی، دستورالعمل‌های لازم الاجرای حسابداری و حسابرسی).

نکته قابل ذکر در خصوص این معیارها این است که اولاً ممکن است برخی از معیارهای کیفیت سود با یکدیگر همپوشانی داشته باشند. به عنوان مثال، حداقل بعضی معیارهای کیفیت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، هم اثرات اشتباهات غیر عمدی تهیه کنندگان در اعمال قضاوت‌ها و انجام برآوردهای لازم و هم بکارگیری نادرست استانداردها را پوشش می‌دهند. دوم برخی از معیارهای کیفیت سود با بیش از یک سرفصل انطباق دارند. به عنوان مثال کیفیت ارقام تعهدی یکی از معیارهای کیفیت سود است که از نظر فرانسیس و همکاران [۱۵] در سرفصل معیارهای مبتنی بر بازار طبقه‌بندی می‌شود، اما از نظر دجو و همکاران [۱۳] این معیار در طبقه معیارهای مرتبط با خصوصیات سود گنجانده می‌شود. سوم اینکه هر یک از معیارهای کیفیت سود از زاویه‌ای متفاوت به اندازه‌گیری این مفهوم می‌پردازد، لذا علی‌رغم وجود همپوشانی بین برخی از معیارها، ممکن است آن‌ها با یکدیگر ناسازگار باشند. در نهایت، برخی سازه‌های کیفیت سود همیشه با مفهوم بیان صادقانه سود اقتصادی مورد نظر همگن سازگار نیستند [۳] [۵].

سازه‌های کیفیت سود مشتق شده از خصوصیات سری‌های زمانی سود پایدار سود^۴

این سازه گاهی در حوزه سود با دوام و ناب^۵ بحث می‌شود. چنانچه دوام و پایداری مترادف یکدیگر در نظر گرفته شوند، سود با کیفیت بالا معمولاً بادوام است. سودهای بادوام می‌تواند موجب بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران گردد. دجو و همکاران [۱۳]، قابلیت پیش‌بینی سود را در سرفصل پایداری سود مطرح می‌کنند و آن را به عنوان معیار جداگانه‌ای در نظر نمی‌گیرند. فرانسیس و همکاران [۱۵] پایداری سود را از جمله معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری طبقه‌بندی می‌کنند. پایداری سود توسط بسیاری از محققین (از جمله شیپر و

1- Investor Responsiveness to Earnings
2- Earnings Response Coefficients (ERCs)
3- External Constructs of Financial Reporting Quality
4- Earnings Persistence
5- Sustainable and core Earnings

وینسنت، [۲۱]) از سازه‌های کیفیت سود مشتق شده از سری‌های زمانی سود در نظر گرفته شده است. برخی محققین، ضریب زاویه (شیب خط) رگرسیون بازده سهام به تغییرات یا سطح سود را به عنوان معیار پایداری سود تلقی می‌کنند (نظیر کورمندی و لیپ^۱ ۱۹۷۸، ایستون و زمیجوسکی^۲ ۱۹۸۹، کولینز و کوساری^۳ ۱۹۸۹). از نظر آنان بیشتر بودن ضریب شیب مدل به معنای پایداری بیشتر سود، و در نتیجه با کیفیت تر بودن آن است [۱۵]. بیان مدل موردنظر به شرح زیر است:

$$RET_t = b_0 -$$

در این مدل؛ RET_t بیانگر بازده سال t ، E_t سود خالص سال t ، ΔE_t تغییر در سود خالص سال t نسبت به سال قبل، ε_t خطای باقیمانده مدل برای سال t و b_1 ضریب شیب مدل و معیار پایداری سود می‌باشد.

لیپ (۱۹۹۰) پایداری را در قالب خود همبستگی سود تعریف کرد. از نظر وی صرفنظر از میزان و جهت تغییرات سود، پایداری بیانگر آن است که تغییرات سود دوره جاری تا چه حدی در سری‌های زمانی سود دوام خواهند یافت (گام تصادفی از پایداری بالایی برخوردار است در حالی که سری‌های زمانی بازگشت به میانگین^۴ فاقد دوام هستند). پایداری سود گزارش شده که هم به لحاظ تجربی و هم به لحاظ نظری اثبات شده است، هموار عکس العمل شدید سرمایه گذاران را به خود معطوف داشته است. این عکس العمل شدید با اختصاص ضریب بزرگتر به سودهای پایدار و بادوام در ارزش گذاری‌های انجام شده توسط سرمایه گذاران همراه بوده است. ارقام سود با پایداری بالا از منظر سرمایه گذاران به عنوان سود بادوام در نظر گرفته می‌شود، تا جایی که این گونه سودها به راحتی به عنوان مبنایی برای اعمال یک روش میان بر برای ارزش گذاری (نظیر ضریب قیمت به سود^۵) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

1- Kormendi and Lipe
 2- Easton and Zmijewski
 3- Collins and Kothari
 4- Mean Reverting Series
 5- Price to Earnings Multiple

بسیاری از محققین (از جمله پنمن و ژانگ [۲۰]؛ فرانسیس و همکاران [۱۵])، از ضریب شیب مدل رگرسیون سود جاری بر روی سود با وقفه به عنوان معیاری برای سنجش پایداری سود استفاده نموده‌اند. بیشتر بودن این ضریب، بیانگر با ثبات‌تر بودن سود، و در نتیجه کیفیت بیشتر سود است [۲۰][۱۵]. بیان مدل مورد نظر به صورت زیر است:

$$E_t =$$

در مدل فوق؛ E_t بیانگر سود خالص یا سود هر سهم سال t ، E_{t-1} سود خالص یا سود هر سهم سال $t-1$ و ε_t خطای باقیمانده مدل برای سال t و b_1 ضریب شیب مدل و معیار پایداری سود می‌باشد. معیار پایداری سود، ضریب شیب مدل (یعنی b_1) بوده و بیشتر بودن آن بیانگر کیفیت بیشتر سود است. پایداری به عنوان یک سازه کیفیت سود از رویکرد سودمندی در تصمیمات (به خصوص، برای مقاصد ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه) مشتق می‌شود. مطلوبیت آن بر رابطه مستقیم میان پایداری سود و میزان ارتباط سود و بازده استوار است که هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی به اثبات رسیده است. با این حال، پایداری سود به دو دلیل با بیان صادقانه سود گزارش شده بر حسب سود اقتصادی مورد نظر هیکز فاصله دارد. نخست اینکه، پایداری سود گزارش شده تابعی از استانداردهای حسابداری، نحوه بکارگیری این استانداردها، مدل تجاری و محیط عملیاتی واحد تجاری است. سودهای ناپایدار می‌تواند نتیجه به‌کارگیری بی‌طرفانه استانداردهای حسابداری در برخی محیط‌های اقتصادی باشد، اما مداخله مدیریت در فرآیند گزارشگری، در مواردی می‌تواند جریان سودهایی را که ذاتاً ناپایدار هستند، به جریان سودهای ظاهراً پایدار تغییر دهد. دوم این که، چنانچه ارزش اقتصادی دارایی‌ها و بدهی‌ها از قاعده گام تصادفی^۱ تبعیت کنند، در نتیجه سود اقتصادی مورد نظر هیکز، برابر تغییر در خالص دارایی‌های اقتصادی، از یک فرایند پراکنش تبعیت خواهد کرد که هیچ‌گونه پایداری را نشان نمی‌دهد [۲].

۱- قاعده گام تصادفی (Random Walk): مطالعه رفتار یک مسیر تشکیل شده از گام‌های تصادفی و پی‌در پی با استفاده از ابزار ریاضیات است. نتایج کاوش در مورد این موضوع در شاخه‌های مختلف علم همچون علوم کامپیوتر، فیزیک، بوم‌شناسی، اقتصاد، روانشناسی و موارد دیگر به عنوان مدلی پایه برای فرآیندهای تصادفی در طول زمان، استفاده شده است. به عنوان مثال، مسیر طی شده توسط یک مولکول هنگام حرکت درون گاز یا مایع، مسیر حرکت یک حیوان علف‌خوار، نوسانات قیمت سهام و... مواردی است که می‌تواند با قاعده گام تصادفی مدل‌سازی شود. گام تصادفی را نخستین بار کارل پیرسون در سال ۱۹۰۵ میلادی به کار برد. $y_t = y_{t-1} + \varepsilon_t$ که در آن y_t متغیر در زمان t و ε_t مقدار تصادفی است.

پیش بینی پذیری (قابلیت پیش بینی)^۱

بیانیه مفاهیم شماره ۲ هیات استانداردهای حسابداری مالی (بند ۵۳) به توان پیش بینی کنندگی به عنوان قابلیت داده‌های حسابداری مورد استفاده در فرآیند پیش بینی نامعین اشاره دارد. توان پیش بینی کنندگی عبارتست از قابلیت کل مجموعه گزارشگری مالی، شامل اجزای سود و سایر شکل های تجزیه رقم کلی سود، برای ارتقای قدرت استفاده کنندگان جهت پیش بینی ارقام مورد علاقه خود. از این طریق، توان پیش بینی کنندگی به سودمندی در تصمیمات ارتباط پیدا می کند و بنابراین منحصر به فرآیند پیش بینی و اهداف خاص استفاده کننده است. با این حال، گاهی محققین بطور اخص توان پیش بینی کنندگی را به عنوان توان سودهای گذشته در پیش بینی سودهای آتی تعریف می کنند [۱۸]. به این ترتیب، توان پیش بینی کنندگی تابعی از واریانس تغییرات سود است (واریانس زیاد در میزان تغییرات بدون در نظر گرفتن جهت آن، قابلیت پیش بینی را کاهش می دهد). قابلیت پیش بینی توسط بسیاری از محققین، به عنوان یکی از معیارهای مرتبط با خصصیات سری زمانی سود معرفی شده است. برخی محققین (از جمله شیپر و وینسنت، [۲۱]؛ فرانسیس و همکاران، [۱۵]) قابلیت پیش بینی را به عنوان یک معیار مجزای کیفیت سود در نظر می گیرند، اما برخی دیگر (از جمله دجو و همکاران، [۱۳]) قابلیت پیش بینی را در سر فصل پایداری سود مطرح می کنند [۲۱] [۱۵] [۱۳]. برخی محققین (از جمله باروا [۹]) نیز، قابلیت پیش بینی را در یک سر فصل مجزا تحت عنوان معیارهای مرتبط با خصصیات مرتبط با خصصیات کیفی اطلاعات حسابداری جای می دهند [۹] و برخی بر این باورند که قابلیت پیش بینی به مجموعه گزارشگری مالی (شامل سود و اجزای آن) مرتبط است^۲، اما برخی دیگر (از جمله لیب [۱۸]) به توانایی سودهای گذشته در پیش بینی سودهای آتی، قابلیت پیش بینی سود می گویند [۱۸]. برای اندازه گیری قابلیت پیش بینی مدل پیش بینی سودهای آتی با استفاده از سودهای جاری، مدل پیش بینی سودهای آتی با استفاده از اجزای نقدی و تعهدی سودهای جاری، مدل پیش بینی جریانهای نقدی آتی با استفاده از سودهای

1- Predictability

۲- در هیچ یک از این موارد، توان پیش بینی کنندگی با بیان صادقانه سود گزارش شده بر حسب سود اقتصادی مورد نظر هیکنز (یک سازه سود اقتصادی) مرتبط نیست [۲].

جاری، مدل پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی با استفاده از اجزای نقدی و تعهدی سودهای جاری در ادبیات موضوعی معرفی گردیده است. در تمام این مدل‌ها، معیار قابلیت پیش‌بینی، انحراف معیار (جذر واریانس) خطای باقیمانده مدل بوده که کمتر بودن آن بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

که در آن ε_t خطای باقی مانده مدل می باشد.

محققین دریافته اند که توان پیش‌بینی کنندگی سری‌های زمانی سودهای گزارش شده، همانند پایداری، تنها تابعی از مدل تجاری واحد گزارشگر، عوامل اقتصادی و انتخاب رویه‌های حسابداری است. در چرخه‌های تجاری فصلی، که اغلب سرمایه بر^۱ هستند، ممکن است پیش‌بینی سود دشوار باشد. در مورد این قبیل شرکت‌ها، بیان صادقانه عملکرد اقتصادی (سود با کیفیت بالا از لحاظ میزان توافق و سازگاری آن با سود اقتصادی موردنظر هیکنز) منجر به فقدان توان پیش‌بینی کنندگی (سود با کیفیت پایین از لحاظ معیار توان پیش‌بینی کنندگی) می‌شود [۲]. شیپر و وینسنت [۲۱] معتقدند که بین پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود ممکن است تضاد وجود داشته باشد. در صورتی که انحراف معیار سری زمانی زیاد باشد، سودهای با ثبات، از قابلیت پیش‌بینی بالایی برخوردار نخواهند بود، بنابراین سودهای با کیفیت (از منظر ثبات سود)، ممکن است از منظر قابلیت پیش‌بینی با کیفیت قلمداد نگردند [۲۱].

تغییرپذیری^۲ (هموارسازی)

از آنجا که هموار بودن^۳ - عدم وجود نوسان - گاهی با بالا بودن کیفیت سود ارتباط دارد، بنابراین یک رویکرد برای ارزیابی کیفیت سود آزمون شواهدی است که براساس آن سود ذاتاً هموار است، زیرا مدل تجاری و محیط گزارشگری از ثبات لازم برخوردار است یا به طور جایگزین، مدیریت از روش‌های هموارسازی بهره می‌گیرد [۲]. فرانسیس و همکاران [۱۵] هموارسازی سود را از جمله معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری طبقه بندی می‌کنند. هموارسازی (تغییرپذیری) سود، به معنای وجود سودهای کم کیفیت است. محیطی که

1- Capital Intensive

2- Variability

3- Smoothness

شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، همواره دستخوش تغییرات است، لذا مدیریت با استفاده از انتخاب‌های حسابداری، اقدام به هموارسازی سود نموده و بدین وسیله بر کیفیت سود اثر می‌گذارد. برای مثال لئوز و همکاران [۱۷] دو معیار را برای مداخله جهت هموارسازی تعیین کرده‌اند: معیار نخست، نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی است.^۱ مقادیر کوچک‌تر (نسبت‌های کوچک‌تر)، بیانگر هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است. بیان این مدل به شرح زیر است:

که در آن $\sigma(NIBE_{j,t})$ بیانگر انحراف معیار سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه و $\sigma(CFO_{j,t})$ بیانگر انحراف معیار جریان وجه نقد عملیاتی است. معیار دوم نیز استفاده از همبستگی بین تغییرات در ارقام تعهدی و تغییرات در جریان‌های نقدی است. همبستگی منفی نشان دهنده هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است [۱۷]. باور بر این است که تغییر در جریان‌های نقدی، تغییرات در سری‌های زمانی سود مدیریت نشده را پوشش می‌دهد، بنابراین، شدت هموارسازی سود حاکی از آن است که چه مقدار از نوسانات سری‌های زمانی مربوط به ارقام تعهدی به کار گرفته شده برای واکنش به شوک‌های اقتصادی می‌باشد. هانت و همکاران [۱۶] از طریق نسبت انحراف معیار سود خالص غیر اختیاری^۲ (که معادل با حاصل جمع جریان نقد عملیاتی و ارقام تعهدی غیر اختیاری است) به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی، که هر دو بر اساس کل دارایی‌ها تعدیل شده‌اند، هموارسازی سود را سنجیده‌اند [۱۶].

برخی تحقیقات (نظیر هانت و همکاران [۱۶]) شواهدی را گزارش کردند که حاکی از هموارسازی سود توسط مدیران حول و حوش برخی اهداف تعیین شده بود، اگرچه گاهی دلایل انجام آن مشخص نبوده است. همچنین، همان‌طور که رئیس پیشین کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا، آرتور لویت (۱۹۹۸) نیز اذعان کرده است خرد جمعی، مدیران را به

۱- لئوز و همکاران [۱۷] معتقدند که سودهای هموار شده به دلیل اختلالات ایجاد شده در اثر مداخله مدیریت از محتوی اطلاعاتی کمتری برخوردارند و امکان دستکاری در سود عملیاتی در مقایسه با جریان نقد عملیاتی بیشتر است. هر اندازه که انحراف معیار سود عملیاتی کمتر باشد، احتمال هموارسازی سود بیشتر بوده و در نتیجه، سودهای مربوطه از کیفیت بالایی برخوردار نخواهند بود [۱۷].

2- Non Discretionary Net Income

هموارسازی سود وادار می کند، زیرا آن‌ها معتقدند که سرمایه گذاران سودهای دارای رشد هموار را ترجیح می دهند. مدیران ممکن است اجزای گذرا و موقتی را به منظور کاهش نوسانات سری های زمانی و افزایش قابلیت پیش بینی در سری های زمانی سود وارد کنند که این اجزا کیفیت سود پوشش یافته توسط پایداری را کاهش می دهد^۱ [۲۱].

مقایسه با شاخص^۲

این معیار (مقایسه با شاخص - غلبه کردن بر هدف^۳)، توسط دچو و همکاران [۱۳] معرفی گردیده و در سرفصل معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود طبقه بندی شده است [۱۳]. هاین^۴ (۱۹۹۵) عنوان می کند که از نظر آماری، شرکت های کمی دارای زیان کم و ناچیز هستند و در مقابل شرکت های زیادی، دارای سود کم و ناچیز می باشند. یکی از تفسیرهایی که در خصوص این الگو وجود دارد این است که شرکت هایی که دارای زیان هستند، مدیریت سود کرده و زیان شرکت را به سود (هرچند کم) تبدیل می کنند. براین اساس، مقیاس های سودی مانند سود کم و اجتناب از زیان کم به عنوان شاخصی برای مدیریت سود و در نتیجه کیفیت سود تبدیل شده است. دچو و همکاران (۲۰۰۳) نیز بیان می کنند که مدیران به علت اثر منفی ناشی از غلبه نکردن و یا نرسیدن به سود پیش بینی شده توسط تحلیلگران و همچنین برای جلوگیری از اثرات منفی بر فرصت رشد شرکت، مدیریت سود کرده و بدین ترتیب بر کیفیت سود اثرگذار می گذارند^۵ [۳].

سازه های کیفیت سود مشتق شده از روابط میان سود، اقلام تعهدی و

جریان های نقدی

در این بخش سازه های کیفیت سود و معیارهای اندازه گیری مرتبط با آن که از روابط میان اجزای اقلام تعهدی و نقدی سود مشتق شده است، بحث می شود. دچو و همکاران [۱۳] عنوان می کنند که بخش عمده سازه های استفاده شده در ادبیات موضوعی برای اندازه گیری کیفیت سود، متعلق به این سرفصل می باشند. ضمن این که این معیارها پیچیده به نظر می رسند، در تمام

۱- علاوه بر این، سودی که به طور مصنوعی هموار شده، نمیتواند بیان صادقانه ای از مدل تجاری و محیط اقتصادی واحد گزارشگر باشد.

2- Benchmarking

3- Target Beating

4- Hayn

۵- بین مقایسه با شاخص و هموارسازی سود (به عنوان دو معیار کیفیت سود) ارتباط نزدیکی وجود دارد [۵].

این سازه ها فرض بر این است که ارقام تعهدی یا برخی از زیرمجموعه های آن، کیفیت سود را کاهش می دهند، در حالی که جزء نقدی سود افزایش کیفیت سود را در پی دارد.

نسبت جریان های نقدی عملیاتی به سود^۱

این معیار کیفیت سود، طبق این باور که هر چه نقدشوندگی سود بیشتر باشد، کیفیت آن بالاتر است، تعریف می شود. هریس و همکاران^۲ (۲۰۰۰) و پنمن (۲۰۰۱) بیان می کنند که نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود، ساده ترین شکل ممکن برای بیان رابطه فوق است. بیشتر بودن نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود، به معنای با کیفیت تر بودن سود است [۴]. علاوه بر فرض رابطه قوی میان سود و جریان های نقدی عملیاتی، این نسبت در مقابل دستکاری جریان های نقدی عملیاتی حساسیت دارد و برخی مسائل مثل در وثیقه قراردادن یا تبدیل به اوراق بهادار کردن مطالبات برای دستیابی سریع به جریان های نقدی را در تصمیمات تجاری در نظر نمی گیرد. سایر سازه های کیفیت سود از سازه های نزدیکی سود به جریان های نقدی متمایز است، زیرا آن ها زیرمجموعه معینی از ارقام تعهدی (ونه تمام ارقام تعهدی) را به عنوان اجزائی که کیفیت سود را کاهش می دهند، شناسایی می کنند. در هر سه معیار دیگر مورد بحث، ارقام تعهدی کاهنده کیفیت سود از سایر ارقام تعهدی متمایز می شود، ولی پیچیدگی جداسازی در آن ها متفاوت است.

تغییر در جمع ارقام تعهدی^۳

یک رویکرد ساده برای اندازه گیری کیفیت سود به عنوان معکوس تخمین ها و قضاوت های به کار رفته در ارقام تعهدی، بر تغییر در جمع ارقام تعهدی مبتنی است [۱۲]. بیان مدل این معیار به شرح زیر است:

1- Ratio of Cash from Operations to Income

2- Harris et al

3- Changes in Total Accruals

که در آن TA_t بیانگر کل ارقام تعهدی و NDA_t بیانگر بخش غیراختیاری ارقام تعهدی است. همچنین DA_t بیانگر بخش اختیاری ارقام تعهدی، TA_{t-1} بیانگر ارقام تعهدی دوره قبل و A_{t-2} بیانگر کل دارایی‌های دو دوره قبل می‌باشد.

از آنجا که بخشی از اجزای ارقام تعهدی غیرقابل دستکاری و تقریباً طی دوره ثابت است، تغییر در کل ارقام تعهدی میزان دستکاری‌های مدیریت را اندازه‌گیری می‌کند و معیار معکوسی از کیفیت سود را فراهم می‌آورد، لذا هر اندازه که تغییر در کل ارقام تعهدی بیشتر باشد، احتمال دستکاری مدیریت بیشتر بوده در نتیجه کیفیت سود پایین‌تر خواهد بود [۲۱].

کیفیت ارقام تعهدی^۱

کیفیت ارقام تعهدی به میزان نقدشوندگی ارقام تعهدی سود اشاره دارد. هرچه درجه نقدشوندگی ارقام تعهدی بالا باشد، کیفیت این ارقام بالا خواهد بود. این معیار، توسط بسیاری از محققین در سرفصل‌های مشتق شده از رابطه بین سود، جریان نقد و ارقام تعهدی طبقه‌بندی شده است. فرانسیس و همکاران [۱۵] کیفیت ارقام تعهدی را از جمله معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری برشمرده‌اند. دچو و همکاران [۱۳] نیز این معیار را در سرفصل معیارهای مرتبط با خصوصیات سود جای داده‌اند. کیفیت ارقام تعهدی ارتباط نزدیکی با هموارسازی سود دارد به گونه‌ای که بسیاری از مدل‌های استفاده شده جهت سنجش کیفیت ارقام تعهدی، برای اندازه‌گیری هموارسازی سود نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۹]. مدل‌های بسیاری توسط محققان برای اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی معرفی شده است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته طبقه‌بندی کرد:

برآورد مستقیم ارقام تعهدی اختیاری (غیرعادی) با استفاده از عناصر

حسابداری^۲

معیار تغییر در جمع ارقام تعهدی بر این فرض استوار است که عوامل نامشخص تعیین‌کننده ارقام تعهدی دستکاری نشده در طول زمان ثابت هستند. در مقابل، برآورد مستقیم، عناصر (اعداد و ارقام) حسابداری را به عنوان عوامل تعیین‌کننده شناسایی می‌کند.

1- Accrual Quality

2- Direct Estimation of Abnormal (Discretionary) Accruals Using Accounting Fundamentals

در این رویکرد، ارقام تعهدی به ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می‌شوند. در این مدل‌ها فرض می‌شود ارقام تعهدی غیر اختیاری در طول زمان ثابت بوده و در معرض دستکاری مدیریت قرار نمی‌گیرند. ضمناً این ارقام را می‌توان با استفاده از برخی متغیرهای حسابداری پیش‌بینی نمود. در رویکرد برآورد مستقیم، باقیمانده‌ها (یا خطاهای پیش‌بینی) رگرسیون جمع ارقام تعهدی (یا ارقام تعهدی خاص موردنظر) با عناصر حسابداری، مدیریت سود را پوشش می‌دهند و به عنوان معیار معکوس کیفیت سود تلقی می‌شوند. در مقایسه با رویکردی که کیفیت سود را به عنوان عکس‌تغییر در کل ارقام تعهدی اندازه‌گیری می‌کند و بنابراین مستلزم آن است که عناصر (اعداد و ارقام) حسابداری در طول زمان ثابت باشد، این رویکرد رگرسیونی تغییرات دوره به دوره در عناصر حسابداری را مجاز می‌شمارد. به هر حال، همچنین با فرض این که عناصر حسابداری خودشان دستکاری نشده هستند، رویکرد اخیر شناسایی عناصر حسابداری و داده‌های مقطعی و سری زمانی کافی را برای تخمین رگرسیون ضروری می‌سازد. (مدل دی‌آنجلو ۱۹۸۶، مدل جونز^۱ ۱۹۹۱ و مدل تعدیل شده جونز ۱۹۹۵) نمونه‌هایی از مدل‌هایی هستند که در این دسته جای می‌گیرند.^۲ بیان مدل جونز (۱۹۹۱) به صورت زیر می‌باشد:

$$TA_t = (\Delta CA_t - \Delta CL_t - NDA_t) = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right)$$

TA_t کل ارقام تعهدی در سال t ، ΔCA_t تغییر در دارایی‌های جاری، ΔCL_t تغییر در بدهی‌های جاری، $\Delta CASH_t$ تغییر در وجه نقد، $\Delta STDEBT_t$ تغییر در حصة جاری تسهیلات دریافتی در سال t ، $DEPN_t$ تغییر در هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود، NDA_t بخش غیراختیاری ارقام تعهدی در سال t ، ΔREV_t درآمد سال t منهای درآمد سال $t - 1$ ، PPE_t اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (ناخالص) در پایان سال t ، A_{t-1} کل دارایی‌ها در سال $t - 1$ ، α_1 و α_2 و α_3 پارامترهای خاص شرکت می‌باشند که با استفاده از مدل زیر به دست می‌آیند:

1- Jones

۲- در ادبیات تجربی از این مدل‌ها بیشتر برای اندازه‌گیری هموارسازی سود استفاده شده است.

$$\frac{TA_t}{A_{t-1}} = a_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right)$$

که در این مدل a_1 و a_2 و a_3 به برآوردهای OLS از α_1 و α_2 و α_3 اشاره دارد. TA_t کل ارقام تعهدی در سال، A_{t-1} کل دارایی‌ها در پایان سال، ΔREV_t در آمد سال منهای درآمد سال، PPE_t اموال، ماشین آلات و تجهیزات (ناخالص) در پایان سال.

برآورد مستقیم روابط ارقام تعهدی با جریان های نقدی^۱

این رویکرد ارقام تعهدی را به صورت مجموع مورد توجه قرار می‌دهند. رابطه حاکم میان ارقام تعهدی و جریان های نقدی که جنبه های مختلف رابطه میان سود با جریان های نقدی را پوشش می‌دهد و از مشکلات مختلف مربوط به رویکرد عناصر حسابداری عاری است، توسط دچو و دیچو (۲۰۰۲) تدوین شده است. در این رویکرد، باقیمانده های برآوردی در رگرسیون تغییرات در سرمایه در گردش به جریان های نقدی دوره قبل، دوره جاری و دوره بعد هر شرکت، کل خطاهای برآورد ارقام تعهدی توسط مدیریت (اعم از غیر عمدی و دستکاری شده) را پوشش می‌دهد و به عنوان معیار معکوسی از کیفیت سود تلقی می‌شود. مدل دچو و دیچو [۱۴] و مدل مک نیکولز^۲ (۲۰۰۲) نمونه هایی از مدل هایی هستند که در این دسته جای می‌گیرند. بیان مدل دچو و دیچو [۱۴] به صورت زیر است:

$$\Delta WC_t = b_0 + b_1 CFO_t$$

در مدل فوق؛ ΔWC_t بیانگر تغییر در سرمایه در گردش سال t نسبت به سال قبل، CFO_{t-1} جریان نقد عملیاتی سال $t - 1$ ، CFO_t جریان نقد عملیاتی سال t ، CFO_{t+1} جریان نقد عملیاتی سال $t + 1$ ، ε_t خطای باقیمانده مدل برای سال t می‌باشد. جزء خطای این مدل، بیانگر خطای برآورد کل ارقام تعهدی بوده و معیاری معکوس از کیفیت سود قلمداد می‌گردد [۱۴].

معیار دچو و دیچو (۲۰۰۲) متضمن هیچگونه مفروضاتی در مورد عناصر حسابداری دستکاری نشده نمی‌باشد و یک رابطه مستقیم میان جریان های نقدی و ارقام تعهدی جاری برقرار می‌کند. این معیار، خطاهای برآورد دستکاری نشده را از مدیریت سود عمده تفکیک نمی‌کند و

1- Direct Estimation of Accruals to Cash Relations
2- Mac Nicholes

متضمن این فرض است که ارقام تعهدی سرمایه در گردش با فاصله یک سال جلوتر یا یک سال عقب تر نسبت به دریافت ها و پرداخت های نقدی اتفاق می افتد نه بیشتر از یکسال. بیان مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) نیز به صورت زیر است:

$$\Delta WC_t = b_0 + b_1 CFO_t + b_5 PPE_t +$$

در مدل فوق؛ ΔWC_t بیانگر تغییر در سرمایه در گردش سال t نسبت به سال قبل، CFO_{t-1} جریان نقد عملیاتی سال $t-1$ ، CFO_t جریان نقد عملیاتی سال t ، CFO_{t+1} جریان نقد عملیاتی سال $t+1$ ، $\Delta Sales_t$ تغییر در فروش سال t نسبت به سال قبل، اموال و ماشین آلات و تجهیزات برای سال t و ε_1 خطای باقیمانده مدل برای سال t می باشد. معیار کیفیت ارقام تعهدی، انحراف معیار خطای باقیمانده مدل مذکور بوده و کمتر بودن این عدد، بیانگر کیفیت بیشتر سود است [۳].

سازه های کیفیت سود مشتق شده از مفاهیم کیفی مورد اشاره در مبانی نظری هیأت استانداردهای حسابداری مالی

اگر چه این بحث بر روی سود به عنوان یک شاخص کلی عملکرد متمرکز است، اما مبانی نظری هیأت استانداردهای حسابداری مالی کل گزارشگری مالی را به طور یکجا دربر می گیرد که شامل هر یک از سرفصل های صورت های مالی به علاوه یادداشت ها و جداول است. مبانی نظری بر سودمندی در تصمیمات تأکید دارد که در قالب واژه های مربوط بودن، قابل اعتماد بودن و قابل مقایسه بودن یا یکنواختی، به عنوان معیاری برای ارزیابی کیفیت تعریف شده است. تعریف کیفیت گزارشگری مالی در قالب واژه های مربوط بودن، قابل اعتماد بودن و قابل مقایسه بودن، چنانچه قصد بر ارزیابی این سه جزء به طور جداگانه باشد، از لحاظ تجربی دشوار است. این سه سازه در مقایسه با یکدیگر نه مانع الجمع هستند نه سازگار، و آنها معمولاً به صورت جداگانه قابل اندازه گیری قابل اندازه گیری نیستند. در عمل، گزارشگری مالی مستلزم نوعی موازنه میان ویژگی ها و موازنه میان اجزای سود است. یعنی اینکه ایجاد موازنه میان مربوط بودن (که بر شناخت به موقع رویدادهای اقتصادی و گزارش آنها به ارقام برآوردی و نه ارقام مبتنی بر معاملات تأکید دارد) و قابل اتکا بودن (که بر کاهش خطای

اندازه‌گیری تأکید دارد) هم ذهنی است و هم بستگی به شرایط و مقتضیات دارد [۲۱]. باروا [۹] در مطالعه خود معیارهای اندازه‌گیری کیفیت سود را با استفاده از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی مندرج در چارچوب نظری به دو بعد مربوط بودن (شامل ارزش پیش‌بینی، ارزش بازخورد و به موقع بودن) و قابلیت اتکا (شامل بیان صادقانه، قابلیت اثبات و بی طرفی) می‌باشد [۹]. غالباً در عمل برای گزارشگری مالی لازم است یک جنبه فدای سایر جوانب شود و این ترجیح در بین اجزای مختلف سود متفاوت است؛ مثلاً ترجیح مربوط بودن (که به شناخت به موقع رویدادها و وقایع اقتصادی حتی به قیمت گزارش ارقام برآوردی و نه ارقامی که براساس مبادلات استوار است، تأکید می‌کند) بر قابلیت اتکاء (که بر کاهش خطاهای اندازه‌گیری تأکید دارد) یا بالعکس، هر دو ذهنی و خاص شرایط است [۴].

برخی از معیارهای تجربی اجزای خصوصیات کیفی به شرح زیر است:

به موقع بودن^۱

اطلاعات سود برای اینکه به تصمیم‌گیرندگان استفاده کنندگان مربوط باشد، باید در زمانی که مؤثر واقع شود، در دسترس استفاده‌کنندگان قرار گیرد. اگر اطلاعات مربوط به سود به موقع باشند، بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران نیز واقعی خواهد بود. از طرف دیگر هر چه اطلاعات در فواصل زمانی کوتاه‌تری گزارش شوند، به دلیل بالا بودن سطح اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران ریسک اطلاعاتی شرکت پایین خواهد بود. همین نکته باعث کاهش ریسک کلی سرمایه‌گذاری در شرکت و کاهش بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران خواهد شد. به موقع بودن سود به عنوان یک ویژگی کیفی مبتنی بر این ایده است که سود حسابداری درصدد اندازه‌گیری سود اقتصادی است که به عنوان تغییر در ارزش بازار سهام تعریف می‌شود. به موقع بودن بین بازده مثبت و منفی تمایز قائل نمی‌شود [۱۵]. فرانسویس و همکاران [۱۵]، به موقع بودن را در سرفصل معیارهای مرتبط با بازار طبقه‌بندی می‌کنند [۱۵]. دجو و همکاران [۱۳] نیز معیار عدم تقارن در به موقع بودن و شناسایی به موقع زیان (به موقع بودن) را به سرفصل معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود ارتباط می‌دهند [۱۳]. به موقع بودن اطلاعات به صورت مجزا

1- Timeliess

مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و معمولاً در کنار محافظه‌کاری^۱ (به عنوان یکی دیگر از معیارهای کیفیت سود) مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایج‌ترین معیار استفاده شده جهت سنجش به موقع بودن، مدل باسو (۱۹۹۷) است. این مدل به صورت زیر است:

$$E_t = b_0 + b_1(NEG_t) -$$

به طوری که؛ RET_t بیانگر میانگین بازده سال t ، E_t سود خالص سال t ، ε_t خطای باقیمانده مدل برای سال t می‌باشد. در صورتی که RET_t کمتر از صفر باشد، NEG_t برابر با یک خواهد بود و در غیر این صورت NEG_t برابر صفر است. ضریب تعیین حاصل از برآورد مدل فوق با علامت منفی به عنوان شاخص ویژگی به موقع بودن سود بوده و ارزش‌های بیش‌تر (کمتر) به دست آمده دلالت بر به موقع بودن کمتر (بیش‌تر) دارد [۸] [۱۵].

محافظه‌کاری (احتیاط) یکی از خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات مالی است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی پیوست استانداردهای حسابداری ایران، محافظه‌کاری یا همان احتیاط اینگونه تعریف شده است: احتیاط عبارتست از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش‌تر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود. محافظه‌کاری واکنشی است محتاطانه نسبت به ابهام، اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست؛ و هر چه ابهام و ریسک بیش‌تری وجود داشته باشد، نیاز بیش‌تری به محافظه‌کاری وجود دارد. برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی، بازشناختن اهمیت تأییدپذیری و نقش تأییدپذیری نامتقارن (محافظه‌کاری) در رفع برخی مشکلات، از جمله مشکل نمایندگی، امری مهم است. محافظه-کاری احتمال بیش‌نمایی سود و پرداخت سود سهام تصفیه را کاهش می‌دهد^۲ [۳].

رویه‌هایی که به شناسایی اختیاری کمتر از واقع دارایی‌ها یا درآمدها و یا به شناسایی اختیاری بیش‌تر از واقع بدهی‌ها یا هزینه‌ها منجر می‌شوند خارج از محدوده اصل (ویژگی) محافظه‌کاری است. این رویه‌ها موجب کاهش مقادیر مطلوب خصوصیات اطلاعات مانند بی‌طرفی، ارائه

1- Conservatism or Timely Loss Recognition

۲- اگر چه محافظه‌کاری از خصوصیات کیفی اصلی اطلاعات حسابداری نیست اما در برخی کشورها (مانند ایران)، محافظه‌کاری را به عنوان یکی از اجزای خصوصیات کیفی می‌شناسند [۵].

منصفانه و در نهایت، قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌شود و باید به عنوان رویه‌های مدیریت سود تلقی شوند. در چنین حالتی، اهداف این رویه‌ها مبتنی بر حمایت از سرمایه‌گذاران نبوده و پاسخی در جهت انگیزه‌های شخصی مدیریت است [۳].

برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود) مدل‌های متعددی وجود دارد. اما معمولاً برای اندازه‌گیری آن از مدل باسو^۱ (۱۹۹۷) استفاده می‌شود با این تفاوت که معیار محافظه‌کاری، با معیار به موقع بودن متفاوت است. باسو (۱۹۹۷) از دیدگاه زمان سنجی به محافظه‌کاری نگاه می‌کند و آن را به عنوان لزوم درجه بالاتری از تایید برای شناسایی اخبار خوب نسبت به اخبار بد در سود تعریف می‌کند. در نتیجه، اخبار بد نسبت به اخبار خوب با سرعت بالاتری در حساب‌ها منعکس می‌شوند. بر خلاف تعاریف سنتی محافظه‌کاری، مبنی بر اندازه‌گیری کمتر از واقع حقوق صاحبان سهام، محافظه‌کاری سود سوالی در ارتباط با تنظیم زمان و ترتیب سودها و زیان‌ها با توجه به رابطه آن‌ها با جریان‌های نقدی است [۱]. معیار محافظه‌کاری سود نسبت ضریب اخبار بد به ضریب اخبار خوب در رگرسیون سود بر روی بازده، یعنی:

بوده و بیشتر (کمتر) بودن آن، بیانگر سود کمتر (بیش) محافظه‌کارانه است [۱۰][۱۵].

ارزش پیش‌بینی‌کنندگی^۲

ارزش پیش‌بینی سود بر حسب توانایی سود برای پیش‌بینی سود و جریان وجه نقد آتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و قابلیت پیش‌بینی سود برای ویژگی مربوط بودن مهم است زیرا از این طریق می‌تواند با ایجاد انتظارات در مورد سود و جریان وجه نقد آتی بر تصمیمات تأثیرگذار باشد و احتمال پیش‌بینی صحیح نتایج گذشته یا حال را افزایش دهد [۹]. معیارهای اندازه‌گیری ارزش پیش‌بینی همانند معیارهای اندازه‌گیری قابلیت پیش‌بینی است، از این رو بسیاری از محققان آن را در سرفصل سازه‌های مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود طبقه‌بندی می‌کنند [۵].

1- Basu

2- Predictive Value

ارزش بازخورد^۱

ارزش بازخورد به توانایی اطلاعات به اثرگذاری بر تصمیمات استفاده کنندگان از طریق تصحیح یا تصدیق انتظارات قبلی آنان اطلاق می‌شود [۹]. باروا [۹] از با استفاده از توانایی سود سال جاری در تغییر پیش‌بینی سود سال آتی، ارزش بازخورد را اندازه‌گیری کرده است [۹]. براساس مدل مذکور، ارزش بازخورد منفی، معیاری معکوس از کیفیت سود می‌باشد، در حالی که ارزش بازخورد مثبت، بیانگر کیفیت بیشتر سود است [۵].

$$Fv_t = [$$

به طوری که: Fv ارزش بازخورد سود، PEa خطای پیش‌بینی سود سال آتی با در نظر گرفتن سود سال جاری و PEb خطای پیش‌بینی سود سال آتی بدون در نظر گرفتن سود سال جاری. اگر قدرمطلق کوچکتر از باشد، دلایل و شواهدی مبنی بر ارزش بازخورد مثبت ارائه می‌دهد و بالعکس آن نشان دهنده ارزش بازخورد منفی.

ارائه صادقانه^۲

گزارشده‌ی صادقانه سود، میزان صداقت مدیران در ارائه اطلاعات منصفانه و حقیقی برای تصمیم‌گیرندگان تعریف شده است و باید به صورت شفاف و عاری از هرگونه دستکاری سود باشد. برخی محققین از نسبت درصد تغییر در جریان نقد عملیاتی به درصد تغییر در سود عملیاتی، به عنوان معیار اندازه‌گیری ارائه صادقانه سود استفاده نموده‌اند. در این معیار فرض بر آن است هر اندازه که تغییرات سود با تغییرات جریات عملیاتی ارتباط بیشتری داشته باشد، سودهای مربوطه از کیفیت بالاتری برخوردارند. به بیان بهتر هر چه این نسبت بیشتر باشد، سود با کیفیت تر است [۲۲].

بی طرفی^۳

بی طرفی در اطلاعات مالی، فقدان تعصب در اطلاعات گزارش شده برای رسیدن به نتایج از قبل پیش‌بینی شده تعریف شده است. محققان بسیاری از اندازه ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار بی طرفی اطلاعات استفاده کرده‌اند. از نظر آنان هر چقدر که اندازه ارقام تعهدی اختیاری

1- Feedback Value

2- Representational Faithfulness

3- Neutrality

بیشتر باشد، احتمال مدیریت سود بیشتر بوده و در نتیجه بی طرفی در ارائه اطلاعات کمتر خواهد بود [۲۲]. برخی از محققین نیز با استفاده از سود هر سهم دوره جاری و دوره قبل، بی طرفی در ارائه اطلاعات را اندازه گیری نموده‌اند [۹].

قابلیت تأیید^۱

قابلیت تأیید، یکی از اجزای خصوصیت کیفی قابلیت اتکای اطلاعات است. ولوری [۲۲] از اظهار نظر حسابرس به عنوان معیار قابلیت تأیید اطلاعات استفاده می‌کند. از این رو وجود بندهای بیشتر در گزارش حسابرس، از قابلیت تأیید اطلاعات می‌کاهد [۲۲]. باروا [۹]، ارائه صادقانه و قابلیت تأیید اطلاعات را بهم مرتبط می‌داند و معیارهای مشترکی را برای اندازه‌گیری این خصوصیات کیفی معرفی می‌نماید که ارتباط نزدیکی با هموارسازی سود و معیارهای برگرفته از رابطه بین سود، جریان نقد و اقلام تعهدی دارند. این معیارها به سه دسته (شامل اقلام تعهدی غیر عادی^۲، اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیر عادی^۳، و خطای پیش بینی اقلام تعهدی^۴) طبقه‌بندی شده‌اند [۹] [۵].

برآوردها و قضاوت‌های الزامی و مغرضانه^۵

سازه‌های کیفیت سود مشتق شده از تصمیمات اجرایی برانگیزه‌ها و مهارت و تخصص تهیه کنندگان و حسابرسان تاکید دارد. برآوردها و قضاوت‌ها توسط شیپر و وینسنت [۲۱] در سرفصل سازه‌های مشتق شده از تصمیمات اجرایی طبقه‌بندی شده‌اند. دو رویکرد در این زمینه وجود دارد. اولین رویکرد این است که کیفیت سود رابطه معکوس با میزان قضاوت، تخمین و برآورد انجام شده توسط تهیه کنندگان گزارشهای مالی دارد و متناسب با افزایش تعداد اقلام مورد گزارش که باید در اثر به کارگیری استانداردهای گزارشگری توسط مدیریت برآورد شود، کیفیت اطلاعات مالی کاهش می‌یابد. رویکرد دوم حاکی از آن است که کیفیت سود رابطه معکوس با میزان منافع حاصل برای تهیه کنندگان در اثر رعایت الزامات متضمن اعمال قضاوت‌ها و انجام تخمین‌ها و برآوردها، در راستای بکارگیری استانداردها دارد.

1- Verifiability

2- Abnormal Accruals

3- Abnormal Working Capital Accruals

4- Accrual Estimation Errors

5- Required Estimates and Judgments

قضاوتها و برآوردهای الزامی به عنوان معیار معکوس کیفیت سود

به منظور افزایش مربوط بودن، استانداردهای گزارشگری مالی به طور فزاینده شناخت حسابداری معاملات ناتمام را تسریع می بخشند، که به نوبه خود متضمن آن است که ارقام گزارش شده مبتنی بر تخمین ها و برآوردهای مدیریت باشد. نمونه های اخیر شامل تغییر در ارزش منصفانه اوراق بهادار قابل داد و ستد و اوراق مشتقه و شناخت کاهش ارزش دارایی های ثابت و سرفعلی قبل از تحقق آن در یک معامله واقعی می باشد. در صورتی که هدف برآورد مدیریت، تعیین ارزش منصفانه باشد، تسریع در شناخت، به بهای کاهش قابل ملاحظه در ویژگی قابلیت اعتماد سود گزارش شده را به سود اقتصادی موردنظر هیکنز نزدیکتر می کند.

الزام تسریع در شناخت رویدادهای اقتصادی، به دلیل اشتباهات و خطاهای غیرعمدی تهیه کنندگان در امر قضاوت و برآوردها در اثر اشتباه بودن مفروضاتشان درباره آینده، و به جهت این که هر یک از مفروضات ساده شده در مدل مورد استفاده برای تخمین ارزش معاملات ناتمام منبع بالقوه ای اشتباهات اندازه گیری است، منجر به انعکاس خطای اندازه گیری در گزارش های مالی می شود. این دو منبع خطای اندازه گیری به دو دلیل نگران کننده است. نخست این که، اندازه گیری ها ممکن است بدون تعصب¹ (بدون تورش) باشد اما واریانس قابل ملاحظه ای را به نمایش گذارد. دوم این که، وضعیت اقتصادی پیچیده و غیرعادی می تواند منجر به خطای بسیاری از تهیه کنندگان شود.

برآوردها و قضاوت های مغرضانه به عنوان معیار معکوس کیفیت سود

با توجه به رویکرد دوم تعریف کیفیت سود، و به طور عام تر، کیفیت گزارشگری مالی، از دیدگاه اجرائی، کیفیت با دامنه ای که در آن مدیریت از منافع اعمال قضاوت های لازم به بهای نادیده گرفتن استانداردها برخوردار می شود، رابطه معکوس دارد. به نظر می رسد این رویکرد در بسیاری از تحقیقات دانشگاهی در مورد مدیریت سود و کیفیت سود بطور ضمنی نهفته باشد. به عنوان مثال، یک رشته از این تحقیقات انگیزه هایی را برای مدیریت سود مبنای استدلال خود قرار داده و سپس به دنبال شواهدی بوده اند که نشان دهند در وضعیت های

1- Unbiased

خاص که این انگیزه ها وجود داشته، مدیریت سود انجام شده است. بنابراین می توان گفت بین پیش بینی و قضاوت در گزارشگری مالی از یک سو و کیفیت سود از سوی دیگر رابطه معکوسی وجود دارد.

معیارهای خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی

دجو و همکاران [۱۳] سه سازه خارجی مرتبط با تحریف سود (کیفیت گزارشگری مالی) را جهت سنجش کیفیت سود معرفی کردند. هر کدام از این سازه‌ها، چه به صورت عمدی (مانند مدیریت سود) و چه به صورت غیرعمدی (مانند اشتباهات) به عنوان معیارهای کیفیت سود استفاده می‌شوند. سازه‌های خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی مزایا و معایبی دارند که مهمترین مزیت آنها این است که در این سازه‌ها برای سنجش کیفیت سود به شواهدی از منابع بیرونی (همچون دستورالعمل‌های کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا، مدیریت شرکت و حسابرس) اتکا می‌شود (نه خصوصیات سود) [۱۳]. همچنین این سازه‌ها نه تنها فراهم کننده اطلاعاتی در خصوص سود، بلکه راجع به کیفیت گزارشگری مالی نیز می‌باشند [۵]. در عین حال که استفاده از شاخص‌های خارجی برای سنجش کیفیت سود خود بزرگترین مزیت این سازه‌هاست آن را نیز می‌توان بزرگترین نقطه ضعف دانست؛ چرا که تعصبات بالقوه ناشی از انتخاب معیارهای مورد استفاده می‌تواند بر کیفیت سود اثر بگذارد.

تجدید ارائه^۱

از آنجا که سودآوری آینده واحد تجاری و در نتیجه جریان‌های نقدی و ارزش واحد تجاری در آینده با استفاده از سودهای گزارش شده در دوره‌های گذشته ارزیابی می‌شود، تجدید ارائه صورت‌های مالی دوره‌های قبل، پیامدهای منفی متعددی را به همراه دارد؛ زیرا رقم سود خالص مبنای محاسبات متعددی چون، پاداش هیأت مدیره، مالیات و سود تقسیمی بین سهامداران است. علاوه بر این، رقم سود خالص مبنای تصمیم‌گیری اغلب سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در مورد خرید یا فروش سهام شرکت‌هاست که تجدید ارائه این رقم می‌تواند کارایی گزارشگری مالی را به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی آینده مخدوش کند [۳]. تجدید ارائه نیز با

1- Restatements

انگیزه‌های متعدد صورت می‌گیرد که پاداش مدیریت و دستیابی به شرایط مندرج در قراردادهای بدهی از آن جمله است. از این رو می‌توان گفت تجدید ارائه سود نیز می‌تواند نشان دهنده مدیریت سود باشد و سودهای مدیریت شده از کیفیت بالایی برخوردار نیستند [۵].

ضعف کنترل‌های داخلی^۱

کنترل داخلی فرآیندی است که به منظور کسب اطمینان معقول از تحقق اهداف قابلیت اعتماد گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات، و رعایت قوانین و مقررات مربوط توسط هیأت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان سازمان مستقر می‌شود. بعد از وضع قانون ساربنز آکسلی مطالعات بسیاری به بررسی ضعف کنترل‌های داخلی به عنوان معیاری برای کیفیت سود انجام گرفت. این تحقیقات ضعف در کنترل‌های داخلی را نشان‌دهنده کیفیت پایین سود عنوان می‌کردند [۱۳]. در همین رابطه اشبق و همکاران [۷] عنوان کردند که بین کیفیت کنترل داخلی و ارقام تعهدی اختیاری و ثبات سود ارتباط مستقیم وجود دارد. براساس بخش ۳۰۲ قانون ساربنز آکسلی مدیریت ملزم به تأیید اثربخشی فرآیندهای کنترل داخلی شرکت می‌باشد [۵]. بخش ۴۰۴ قانون ساربنز آکسلی اهمیت اطمینان داشتن به کیفیت بالای کنترل‌های داخلی و اهمیت تبادل اطلاعات مربوط به ضعف کنترل‌های موجود در بازار سرمایه را یادآور می‌شود. طبق الزامات بخش ۴۰۴ این قانون (اعلام شده توسط SEC) مدیریت شرکت‌ها باید گزارشی در خصوص اثربخشی کنترل‌های داخلی شرکت ارائه کند.

دستور العمل‌های لازم الاجرای حسابداری و حسابرسی^۲

کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC^۳)، اقدام به انتشار دستورالعمل‌های حسابداری و حسابرسی نموده که رعایت آن‌ها توسط شرکت‌ها، مدیران شرکت‌ها و حسابرسان آن‌ها الزامی است. شرکت‌ها، مدیران، و حسابرسانی که از الزامات تعیین شده تخطی نمایند، متخلف محسوب می‌شوند [۵]. ارائه بیش از واقع درآمد، موجودی کالا و سایر دارایی‌ها از جمله مهمترین تخلفات شرکت‌هاست. در بسیاری از موارد، کمیسیون بورس و اوراق بهادار، مدیران

1- Internal Control Weaknesses

2- Accounting and Auditing Enforcement Releases (AAERs)

3- Securities and Exchange Commission

شرکت‌ها را به ارائه نادرست صورت‌های مالی متهم می‌کند. تخطی از این دستورالعمل‌ها که با انگیزه مدیریت سود صورت می‌پذیرد از کیفیت سودهای اعلامی می‌کاهد [۱۳].

ارتباط ارزشی سود^۱

تحقیقات درباره ارتباط ارزشی سود به منظور مشاهده نقشی است که اطلاعات حسابداری می‌تواند در تبیین رفتار بازده اوراق بهادار داشته باشد. این معیار بدین سبب بکار برده می‌شود تا مشخص شود آیا اعلام یک رویداد باعث تغییر در ویژگی‌های توزیع بازده سهم (یعنی میانگین یا واریانس) می‌شود یا خیر. برای اینکه تحلیلگران مالی بتوانند عملکرد آینده را به طور موفقیت آمیزی پیش‌بینی کنند، به ارقام صورت‌های مالی به ویژه سود حسابداری نیاز دارند. در این راستا، مفهوم ارتباط ارزشی به صورت قدرت ارقام خاص در صورت‌های مالی (مانند سود گزارش شده) برای تشریح تغییرات ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، تعریف شده است؛ بدین معنا که هر چه قدرت توضیح دهندگی بیشتر باشد، ارتباط ارزشی قوی‌تر است. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که سود حسابداری برای سرمایه‌گذاران دارای ارتباط ارزشی است و پژوهشگران همبستگی قوی میان سود، تغییرات سود و ترکیبی از آن‌ها را با تغییرات در ارزش حقوق صاحبان سهام، اثبات کرده‌اند.

فرانسیس و همکاران [۱۵] ارتباط ارزشی سود را دربردارنده خصوصیات کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکا می‌دانند و آن را در سرفصل معیارهای مرتبط با داده‌های بازار جای می‌دهند. شیپر و وینسنت [۲۱] ارتباط ارزشی سود را به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود مدنظر قرار نمی‌دهند. دجو و همکاران [۱۳] از عنوان دیگری تحت عنوان ضریب واکنش سود به جای ارتباط ارزشی سود استفاده می‌نمایند [۱۳]. در برخی از مطالعات نیز، از محتوای اطلاعاتی سود به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود یاد شده است، اما در عملیاتی نمودن این معیار از ارتباط ارزشی سود استفاده شده است [۳][۵][۲۱]. بسیاری از تحقیقات انجام شده برای اندازه‌گیری ارتباط ارزشی سود، از رگرسیون بازده بر روی سود و تغییرات آن استفاده نموده‌اند. بیان این مدل به صورت زیر است:

$$RET_t = b$$

در این مدل؛ RET_t بیانگر میانگین بازده سال t ، E_t سود خالص سال t ، ΔE_t تغییر در سود خالص سال t نسبت به سال قبل، ε_t خطای باقیمانده مدل برای سال t و b_1 ضریب واکنش سود می‌باشد. معیار ارتباط ارزشی سود، توان توضیح دهنده مدل بوده و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است [۱۱] [۱۵]. همچنین دچو و همکاران [۱۳] بیان می‌کنند که واکنش سرمایه‌گذاران به سود شامل تحقیقات در رابطه با بررسی ضریب واکنش سود که اکثراً در یک محدوده کوتاه مدت انجام می‌شود و R^2 که از مدل‌های سود-بازده به دست می‌آید، می‌باشد. این تحقیقات بیان می‌کنند که واکنش سرمایه‌گذاران به سود یک معیار مستقیم برای کیفیت سود می‌باشد. چنین استدلال می‌شود که سرمایه‌گذاران دارای یک دیدگاه در رابطه با عملکرد شرکت هستند، زمانی که صورت سود و زیان دارای کیفیت بالایی باشد، آن‌ها بیشتر از اطلاعات این صورت استفاده کرده و در دیدگاه‌های خود نسبت به شرکت، تجدیدنظر خواهند کرد. برای اندازه‌گیری واکنش، رابطه میان آن قسمت از سود غیرعادی را با آن بخش از بازده غیرعادی سهام به دست می‌آورند و زمانی که رابطه مثبت و قوی وجود داشته باشد، نشان دهنده این است که سود دارای کیفیت بالایی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

همانگونه که عنوان شد، سود حسابداری یکی از مهمترین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی می‌باشد که همواره مورد توجه گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار گرفته است. از سود حسابداری به عنوان مبنایی برای سنجش کارایی مدیریت، ابزاری برای پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقدی آتی، مبنایی برای تعیین مالیات و وسیله‌ای برای ارزیابی و قضاوت درباره تخصیص منابع یاد می‌شود. هیأت استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۷۸) در تأکید سودمندی سود همواره در مفاهیم گزارشگری مالی بیان می‌دارد که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایرین، سود و اجزای آن را به طرق مختلف و برای مقاصد متفاوت جهت ارزیابی دورنمای جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری‌ها یا وام‌های اعطائی استفاده می‌کنند. علی‌رغم کاربردهای متعدد سود حسابداری در عمل، ایراداتی نیز به این مفهوم حسابداری وارد است. از جمله این ایرادات که وقوع بحران‌های مالی و موج رو به افزایش تقلب در شرکت‌ها سبب برجسته‌تر

شدن آن گردید، تردید در خصوص کیفیت سودهای گزارش شده و قابلیت اتکای آن‌ها می باشد. از دیدگاه سرمایه گذاری، کیفیت پایین سود مطلوب نمی باشد، زیرا سودهای کم کیفیت تخصیص نامناسب منابع را به دنبال داشته و باعث کاهش رشد اقتصادی می شود. سود با کیفیت بالا از توسعه بازار سرمایه به خصوص در کشورهای در حال توسعه و سایر کشورها حمایت می کند. زمانی که عموم مردم به فرایند گزارشگری مالی یا به اطلاعات مالی منتشر شده اطمینان نداشته باشند، از سرمایه گذاری منصرف می شوند و این امر به نوبه خود از گسترش بازار سرمایه جلوگیری می کند.

کیفیت سود مفهومی است که دارای جنبه‌های متفاوتی می باشد و از این رو تعاریف مختلف و معیارهای متفاوتی در رابطه با آن مطرح شده اند. اما از آنجایی که افراد مختلف از اطلاعات در تصمیمات متفاوت استفاده می کنند، امکان ارائه تعریفی جامع از آن وجود ندارد. با توجه به دشواری موجود در تعریف عملیاتی کیفیت سود، از معیارهای مختلفی برای اندازه گیری این سازه استفاده شده است. برخی از معیارهای کیفیت سود با بیش از یک سرفصل انطباق دارند. به عنوان مثال کیفیت اقلام تعهدی یکی از معیارهای کیفیت سود است که از نظر فرانسویس و همکاران [۱۵] در سرفصل معیارهای مبتنی بر بازار طبقه بندی می شود، اما از نظر دچو و همکاران [۱۳] این معیار در طبقه معیارهای مرتبط با خصوصیات سود طبقه بندی می شود. همچنین ممکن است برخی از معیارهای کیفیت سود با یکدیگر همپوشانی داشته باشند. به عنوان مثال، حداقل بعضی معیارهای کیفیت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، هم اثرات اشتباهات غیر عمدی تهیه کنندگان در اعمال قضاوت‌ها و انجام برآوردهای لازم و هم بکارگیری نادرست استانداردها را پوشش می دهند. علاوه بر این هر یک از معیارهای کیفیت سود از زاویه‌ای متفاوت به اندازه گیری این مفهوم می پردازد، لذا علی رغم وجود همپوشانی بین برخی از معیارها، ممکن است آن‌ها با یکدیگر ناسازگار باشند. در نهایت، برخی سازه‌های کیفیت سود همیشه با مفهوم بیان صادقانه سود اقتصادی مورد نظر همگرا نیستند.

منابع و مأخذ

۱. اعتمادی، حسین و فرج زاده دهکردی، حسن، (۱۳۹۱)، "تأثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال چهارم، شماره ۱۳.
۲. بولو، قاسم، (۱۳۸۶)، "هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگی‌های سود"، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۳. حسنی القار، مسعود، (۱۳۹۲)، "ارتباط میان کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۴. رحیمیان، نظام‌الدین و جعفری، محبوبه، (۱۳۸۵)، "معیارها و ساختارهای کیفیت سود"، **ماهنامه حسابداری**، سال ۲۱، شماره ۱۷۴.
۵. صفرزاده، حسین، (۱۳۹۲)، "کیفیت سود و معیارهای اندازه‌گیری آن"، **پژوهش حسابداری**، شماره ۹.

۶. هندریکسن، الدان و ون بردا، مایکل، (۱۹۹۲)، **تئوری‌های حسابداری**، ترجمه دکتر

علی پارسائیان (۱۳۸۵)، جلد اول، تهران، انتشارات ترمه.

7. Ashbaugh Skife, H., Collins, D. and Kinney, W., (2007), "The Discovery and Reporting of Internal Control Deficiencies Prior to SOX-Mandated Audits", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 44, PP. 166-192.
8. Ball, R., Kothari, S. and Robin, A., (2000), "The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 29, PP. 1-51.
9. Barua, A., (2006), "Using the FASB's Qualitative Characteristics in Earnings Quality Measures, Unpublished PhD Dissertation, The Graduate Faculty of the Louisiana State University", Department of Accounting, UMI Number: 3208143.
10. Basu, S., (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 24, PP. 3-27.
11. Bushman, R., Chen, Q., Engei, E. and Smith, A., (2004), "Financial Accounting Information, Organizational Complexity and Corporate Governance Systems", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 37, No. 2, PP. 139-201.

12. DeAngelo, L., (1986), "Accounting numbers as market valuation substitutes: A study of management buyouts of Public stockholders", **The Accounting Review**, Vol. 61, No. 3, PP. 400-420.
13. Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C., (2010), "Understanding Earnings Quality: A Review of the Proxies, Their Determinants and Their Consequences", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 50, PP. 344-401.
14. Dechow, P. and I. Dichev, (2002), "The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors", **The Accounting Review**, Vol. 77, (Supplement), PP. 35-59.
15. Francis, J., R. Lafond, P. Olsson, and K. Schipper, (2004), "Costs of equity and earnings attributes", **The Accounting Review**, Vol. 79, PP. 967-1010.
16. Hunt, A., Moyer, S. and Shevlin, T., (2000), "Earnings Volatility, Earnings Management and Equity Value", Working Paper, Department of Accounting, University of Washington.
17. Leuz, C., Nanda, D. and Wysocki, P., (2003), "Earning Management and Investor Protection: an International Comparison", **Journal of Financial Economics**, Vol. 69, PP. 505-527.

18. Lipe, R., (1990), "The Relation between Stock Returns and Accounting Earnings Given Alternative Information", **The Accounting Review**, Vol. 65, No. 1, PP. 49-71.
19. Nitkin, M., (2007), "An Investigation of the Association between Governance Quality and Accrual-based Earnings Quality", Unpublished PhD Dissertation, Boston University, School of Management, UMI Number: 3240635.
20. Penman, S. and X-J. Zhang, (2002), "Accounting conservatism, the quality of earnings and stock returns", **The Accounting Review**, Vol. 77, PP. 237-264.
21. Schipper, K. and L. Vincent, (2003), "Earnings quality", **Accounting Horizons**, Vol. 17, (Supplement), PP. 97-110.
22. Velury, U., (1999), "The Effect of Institutional Ownership on the Quality of Earnings", Unpublished PhD Dissertation, University of South Carolina, Darla Moore School of Business, UMI Number: 9928350.

Empirical Measures of Earnings Quality

Abstract

Accounting earnings is the main source of firm-specific information. Investors, creditors and others, earnings and its components in different ways and for different purposes are used to evaluate the prospects for cash flow investments or loans granted and for taking an investment decision, benefiting more than any other criteria are considered.

The financial crisis, the credibility of the financial reporting system in the confidence of investors, creditors and other stakeholders of compromise. Following this crisis, researchers and financial analysts focus solely on income from dividends paid to their quality. Quality assessment of benefit to users of financial statements in the current profits and expected future profits judgment about certainty will help. Since the concept of earnings quality based on content, so it is not possible to give a comprehensive definition of the different criteria used to measure it. This article explains the most important experimental measures of earnings quality literature to introduce measures that will most iconic models.

Key words: Earnings Quality, Accrual of Earnings, Cash flow of Earnings, Financial Reporting